

بازسازی مدل ارتباطی «منبع معنی»

مهدی محسنیان راد*

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۱۵

چکیده

مدل‌ها در رشته‌های گوناگون علوم توانسته‌اند نقشی میانجی میان تئوری و عمل را ایفا کرده و آموزش را آسان‌تر کنند. این نقش در دانش ارتباط آن‌چنان است که می‌توان در کتاب مستقلی صرفاً به مرور و مقایسه انواع مدل‌های ارتباط پرداخت. مقاله حاضر معتقد است که اگر در ترسیم مدل ارتباط، نظمی منطقی و مبتنی بر رعایت درجات بزرگنمایی یک میکروسکوپ فرضی دنبال شود، احتمالاً بتوان بیشتر عناصر ارتباط و تعامل میان آن‌ها را نمایش داد. مقاله با پایبندی به چنین پیشنهادی، به جستجوی ربط میان نظریه دیرینه گروهی از اندیشمندان ارتباط در «وجود معنی در ذهن، نه در پیام» و دستاوردهای جدید پژوهشگران سیستم عصبی مغز پرداخته و این دیدگاه را مطرح می‌کند که معنی را باید در محل تازه کشف شده‌ای به نام «حافظه طولانی ماندنی» در هیپوکامپ مغز دنبال

* استاد ارتباطات اجتماعی دانشگاه امام صادق (ع).

کرد و به این قضیه متکی بود که عملکرد آن وابسته به مولکول‌های بزرگ پروتئینی است. سپس مقاله در کنار بیان مسئله «مشابهت معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر با معنی مورد نظر ارتباط‌گر» که در ویرایش‌های پیشین مدل «منبع معنی» به صورت $(\frac{M'}{M})$ مطرح می‌شده، مسئله اصلی دیگری را عنوان می‌کند که بیانگر «مشابهت مفهوم صید شده ارتباط‌گیر با محتوای ارسالی ارتباط‌گر» $(\frac{C'}{C})$ است. آنگاه با توضیح درباره دو شرط فرعی «میزان ربط معنی مورد نظر ارتباط‌گر با محتوای تولیدی او» (ربط میان M با C) و «میزان ربط مفهوم صید شده ارتباط‌گیر با معنی متجلی شده او» (ربط میان C' با M') موضوع چهار مسئله‌ای بودن فراگرد ارتباط را مطرح می‌کند. آنگاه در آخرین مرحله بازنگری مدل پیشین، در مروری بر اندیشه حکمای قرون گذشته ایران درباره ارتباط، عنصر جدیدی را می‌یابد که به آن «زمینه سوم» می‌گوید.

واژه‌های کلیدی: عناصر ارتباط، مسائل ارتباط، نشانه‌ها، معنی، مدل‌های

ارتباط، مدل منبع معنی

مقدمه

«مدل، توصیفی ساده سازی شده در قالبی گرافیکی از جنبه‌هایی از واقعیت است.» (Donsback, 2008: 3143) «یکی از روش‌های درک چستی ارتباط، توجه به مدل‌هایی است که ترسیم‌کنندگان آن‌ها کوشش کرده‌اند که نشان دهند به هنگام برقراری ارتباط میان دو نفر و بیشتر چه چیز اتفاق می‌افتد» (Adler, 2009: 9) مدل‌ها سوای آنکه توانسته‌اند نقش میانجی^۱ میان تئوری‌ها و پدیده‌ها را ایفا کنند، در تدریس علوم در دانشگاه‌ها نیز کارآیی بالایی داشته‌اند (Chadarevian, 2004: 2-3)

طی چند دهه گذشته کوشش‌های بسیاری برای ترسیم مدل‌های ارتباط انجام شده که بخش عمده‌ای از آن‌ها را دنیس مک کوئیل و سون ویندال در دو چاپ کتاب‌های

1. mediator

بازسازی مدل ارتباطی ... ۳

خود آورده‌اند (McQuail & Windahl, 1982 & 1993) هنوز نیز در کتاب‌های معتبر مربوط به تئوری ارتباط، قسمتی به بررسی و مقایسه مدل‌ها اختصاص می‌یابد (McQuai, 2010: 51-79).

تجربه نشان می‌دهد که اگر افراد ناآشنا با زبان انگلیسی و بی‌اطلاع از دانش ارتباطات، آن دو کتاب را ورق بزنند تصور می‌کنند این‌ها نقشه‌ها و مدل‌هایی برای پدیده‌هایی متفاوت و متنوع هستند^۱. درحالی‌که همه ترسیم‌کنندگان این مدل‌ها به یک پدیده مشابه نگاه می‌کرده‌اند. علت این پارادوکس آن است که برخی از طراحان، پدیده را از ارتفاع دیده‌اند مانند مدل ماریچچ سکوت که نوئل نیومن از ارتفاع به آن نگاه می‌کرده و نشان داده که چگونه ممکن است در یک جامعه، «سکوت درباره موضوعی خاص» به صورت یک اپیدمی گسترش یابد (Neumann, 1974: 43-5151) برخی از طراحان مدل‌ها گویی ارتباط را در مقابل خود گذاشته و پدیده را در ارتفاع پایین مشاهده نموده‌اند. این‌ها به چند دسته تقسیم می‌شوند. عده‌ای با چشم غیرمسلح عناصر ارتباط را دیده‌اند، مانند کلود شنن و وارن ویوور که گفته‌اند هر ارتباط، از چهارعنصر به ترتیب زیر تشکیل شده است؛ منبع^۲، فرستنده^۳، علامت^۴ و مقصد^۵. ضمن آنکه در مدل از عنصر پنجمی به نام پارازیت نیز صحبت شده که بر کانال اثر منفی می‌گذارد (Schannon & Weaver, 1949) برخی گویی پدیده را با ذره‌بین واری کرده‌اند، مانند دیوید برلو که نشان داده چگونه دو منبع در نقش فرستنده و گیرنده، هرکدام بامهارت ارتباطی، نگرش، معرفت و فرهنگی که دارند در یک سیستم اجتماعی پیامی را

۱- پانیز سال ۲۰۱۴ در سفر با قطار، چاپ جدید کتاب Communication Models که تازه از کتابخانه دانشگاه امانت گرفته بودم را می‌خواندم که پهلودستی من به خلاف رسم معمول در آمریکا که کنجکاو نمی‌کنند^۵ شاید برای باز کردن سر صحبت که اتفاقاً موفق هم شد^۶ پرسید مهندس چه رشته‌ای هستی؟ وقتی با تعجب گفتم مهندس نیستم، معلوم شد تصور کرده مدل‌های گوناگون ارتباط نقشه‌های گوناگون مهندسی است.

2. source
3. transmitter
4. signal
5. destination

می‌فرستند که خود از کد، محتوا و نحوه ارائه تشکیل شده است و به وسیله حس‌های پنج‌گانه دریافت می‌شود (Berlo, 1960: 30-31) عده‌ای گویی از یک میکروسکوپ فرضی، اما با درجات درشت‌نمایی پایین استفاده کرده‌اند، مانند جرج گرینر که در مدل خود به ریشه‌های شکل‌گیری پیام توجه خاصی نموده و نشان داده که چگونه از رویداد، ادراکی شکل می‌گیرد که با عوامل درون فردی در هم می‌آمیزد و پیام را شکل می‌دهد. (Gerbne, 1956: 99-171) افرادی مانند ساموئل آل بیکر درجه درشت‌نمایی میکروسکوپ فرضی را بسیار افزایش داده و در مدل خود نشان داده‌اند که چگونه اطلاعات در مکعب‌های کوچک^۱ در فرد ذخیره شده و مجموعه‌ای از چند واحد اطلاعات، لایه‌ای از اطلاعات را تشکیل می‌دهد که در شکل‌گیری عقاید و نگرش فرد ایفای نقش می‌کند. بیکر حتی از شکل‌گیری مکعب‌هایی سخن می‌گوید که منشأ آن درونی است و زیر میکروسکوپ فرضی قابل مشاهده نیست. (Becker, 1968)

مسئله تحقیق

طی دو دهه گذشته ۱- تحولات مهمی در حوزه فن‌آوری‌های ارتباطات روی داده که اثرات مربوط به کنش‌های ارتباطی آن به تدریج خود را نشان می‌دهد، مانند افزایش میزان استفاده از طیف وسیعی از نشانه‌های تصویری جدید در کنار واژه‌ها به هنگام استفاده از ایمیل یا پیامک که می‌تواند توجه به نقش نشانه‌ها در پیام و بازنگری در دسته‌بندی آن‌ها و در نتیجه مباحث نظری مربوط به پیام را به دنبال داشته باشد. ۲- به خلاف منابع دو دهه پیش دانش ارتباط که برای ماهیت ارتباط، نقشی یگانه قائل و آن را "فرا گرد" می‌دانستند، اکنون این نظریه مطرح شده که ارتباط نیز به مثابه آب که می‌تواند به سه شکل مایع، بخار و یخ بروز کند، قابل وقوع به سه نوع جریان، فرا گرد و تراکنش است. ۳- پژوهش‌های عصب‌شناسی به دستاوردهای مهم و جدیدی درباره

مقولاتی همچون حافظه، معنی، مولکول‌های پروتئین بزرگ دست‌یافته‌اند که می‌تواند به روشن شدن آنچه در جریان، فرا گرد و تراکنش ارتباط می‌گذرد کمک کند. با توجه به تحولات یاد شده مسئله مقاله حاضر انطباق مدل ارتباطی «منبع معنی» با تحولات و دستاوردهای یاد شده و نتایج برخی پژوهش‌های میدانی مؤلف است.

شناخت عناصر ارتباط و تعامل میان آن‌ها

به نظر می‌رسد که برای بررسی عناصر فرا گرد ارتباط و تعامل میان آن‌ها بانظمی خاص،^۱ لازم است ابتدا از بالاترین درجه درشت‌نمایی یک میکروسکوپ فرضی آغاز و به تدریج و به گونه‌ای نظام‌مند به مرحله چشم غیر مسلح رسیده و در انتها پدیده را از ارتفاع دنبال نمود. شواهد حاکی از آن است که مهم‌ترین و ضمناً ریزترین و پنهان‌ترین عنصر ارتباط که بالاترین درجه بزرگنمایی آن میکروسکوپ فرضی را می‌طلبد، «معنی» است.

معنی

موضوع استقلال معنی و جدایی آن از پیام را نخستین بار سنایی حکیم و شاعر ایرانی در قرن یازدهم میلادی بیان کرد. او نوشت «معنی و سخن هرگز با یکدیگر همراه نمی‌شوند، گویی همچون آب و روغن، هر یک از دیگری فراری است»^۲ (سنایی، ۱۳۸۱) یک قرن پس از او، مولوی که در گرامیداشت سنایی، خود را معادل نیم او می‌داند، همان سخن را به گونه‌ای دیگر تکرار کرد و نوشت «وجود معنی در پیام غیرممکن است»^۳ و درجایی دیگر از کتاب خود افزود «درحالی که معنی‌ها همچون

۱- نسخه اول این مدل بانام «منبع معنی» در سال ۱۳۶۹ در کتاب ارتباط شناسی (محسنیان راد، ۱۳۶۹: ۳۱۳-۳۶۹) و در ۱۹۹۳ در مجله اروپایی ارتباطات (Mohsenian Rad, 1993) منتشر شد.

۲- معانی و سخن، یک با دگر، هرگز نیامیزد / چنان چون آب و چون روغن، یک از دیگر گران دارد «

۳- و آنکه [آن‌کس] این معنی در آن صورت [پیام، نماد] بدید / صورت از معنی، قریب است و بعید.

یک دریا و زبان مانند یک ناودان است، چگونه ممکن است دریا در ناودان جای گیرد» (مولوی، ۱۳۸۲) چند قرن بعد از این دو دانشمند ایرانی، دیوید برلو همان سخن را این بار به وضوح تکرار نمود و نوشت «معنی در پیام نیست، بلکه در ماست.»^۱ (Berlo, 1960: 173-4) پس از او دیگرانی نیز سخن مشابهی را بیان کردند مانند برگون که گفت «معنی در کلمه نیست، بلکه در مردمی است که آن کلمه را به کار می‌برند. به همین جهت ارتباطات به اندازه افرادی که از آن استفاده می‌کنند، پدیده‌ای شخصی^۲ است. (Burgoon, 1994: 14) آدلر نیز همین مفهوم را این گونه بیان کرده است: «معانی در انسان‌ها آرمیده‌اند، نه در کلمات» (Adler, 25: 2009) کری فلویید سرچشمه معنی را انسان‌ها می‌داند و در توضیح می‌نویسد: «وقتی ما صحبت می‌کنیم یا می‌نویسیم، برای رساندن معنی مورد نظرمان، کلماتی را انتخاب می‌کنیم. این معنی از کجا سرچشمه می‌گیرد؟ یک کلمه به تنهایی فاقد معنی می‌باشد و فقط یک سری از صداها در هوا و یا چند علامت روی یک تکه کاغذ یا صفحه مانیتور رایانه است. یک کلمه، فقط نماد و یا معرف برای یک ایده است. ولی کلمه، خودش ایده یا معنی نیست. معنی کلمات از فرد یا گروهی که از آن استفاده می‌کنند، سرچشمه می‌گیرد (Floyd, 2009: 17). و کریستین فروملینگ نیز پس از ۵۰ سال از انتشار سخن دیوید برلو درباره عدم وجود معنی در پیام، آن را تکرار کرده و می‌نویسد: «یکی از ویژگی‌های کلیدی معنی آن است که در کلمه نیست، بلکه در مردم است؛ این مردم هستند که معنی را به کلمات و نمادها نسبت می‌دهند (Froemling, 2011: 73).

نتایج تحقیقات متخصصان مغز و اعصاب می‌تواند تا حدودی کنجکاوی ارتباط شناسان در این که «معنی کجاست» را برآورده کند.^۳ نگاهی به یافته‌های آنان حاکی از

۱- معانی را زبان چون ناودان است / کجا دریا رود در ناودانی

2. personal

۳- با تشکر از خانم دکتر ماندانا زندیان پزشک و پژوهشگر دستگاه مرکزی نوزادان در بیمارستان سیدارس-سینا (Cedars-Sinai) در کالیفرنیا و همچنین همکار افتخاری مجله آمریکایی و فارسی زبان «بررسی

آن است که در حافظه بلندمدت^۱، معنی سازی با اتخاذ پیوندهای جدید سیناپسی و ترکیب و سنتز پروتئین‌های تازه، همبستگی دارد (Kandel, 2002) گفته شده که کارکردهای طبیعی حافظه به شدت به هیپوکامپوس وابسته است. آن چنان که میزان آسیب دیدگی بافت یاد شده تعیین کننده شدت آسیب رسانی به حافظه برای معرفت‌های جدید است (Scoville & Milner, 2000). سپس کشف شد که علاوه بر حافظه درازمدت، حافظه دیگری به نام «حافظه طولانی ماندنی»^۲ نیز وجود دارد که عملکرد آن وابسته به مولکول‌های بزرگ پروتئینی و ترکیباتی دیگر است (Swcatt, 2010: 57-58). آخرین تحقیقات می گوید ایجاد تغییر در محتوای ضبط شده ژن‌ها نیز در «حافظه طولانی ماندنی» در هیپوکامپ ضبط می شود (Swcatt, 2010: 65). علاوه بر این، شواهدی به دست آمده که احتمالاً نئوکورتکس^۳ مغز نیز در ذخیره سازی «دانش‌های تحکیم یافته» - که ما معنی می گوئیم - نقش دارد (Mildner, 2010: 155-159). سال ۲۰۱۳ کشف شد که پروتئینی خاص به نام آرک^۴ کارکرد مهمی در تنظیم فعالیت نرون‌ها و توانمند کردن مغز در حفظ خاطرات طولانی مدت دارد. پروتئین آرک، همزمان با پیش رفتن روند یادگیری، و با تحریک سلول‌های عصبی در محل ارتباط این سلول‌ها (سیناپس) تشکیل می شود. یافته‌های اخیر نشان می دهد که تحریک‌های مکرر به هنگام یادگیری، به تدریج با انتقال این پروتئین به هسته سلول‌های عصبی به شکل گرفتن حافظه

کتاب». ایشان در خلال مصاحبه ای که در باره کتاب‌های ارتباط شناسی (سروش) و ارتباطات انسانی (سمت) با من انجام داد (منتشر شده در ضمیمه ۳۰ صفحه ای شماره ۸۰ فوریه ۲۰۱۵) پذیرفت که برای کمک به مصاحبه شونده، حدس احتمالی در باره «معنی» و رابطه آن با دستاوردهای جدید بیولوژیست‌ها و متخصصان مغز و اعصاب را که می تواند عملاً مقوله‌ای میان‌رشته‌ای محسوب شود با پروفیسور کیت بلک (Kith Black) استاد برجسته مغز و اعصاب مطرح و نظر او را جویا شود. کیت بلک که رئیس دپارتمان جراحی اعصاب و همچنین مدیر انستیتو جراحی اعصاب ماگزاین دانیتس (Maxine Dunitz) در لوس آنجلس کالیفرنیاست، پس از خواندن چکیده حدس مورد بحث و توضیحات دکتر زندیان، آن را حدسی نزدیک به واقعیت دانست.

1. Long Term Memory
2. Long Lasting Memory
3. Neo cortex
4. Arc

طولانی مدت می‌انجامد. استیون فینک بینر کشف کرد که در موش‌های فاقد پروتئین آرک^۱ فرایند یادگیری‌های جدید به خوبی انجام می‌شود، اما روز بعد قادر به یادآوری و تکرار آن نیستند (Finkbeiner, 2013).

منشأ معنی هر فردی، ارتباط و شناخت‌های^۲ گذشته اوست. ترن هولم می‌گوید هریک از ما واقعیت‌های خودمان را به دلیل تفاوت تجربیات گوناگونی که بیشتر آنها از طریق ارتباط اندوخته شده‌اند، دنیا را آن‌گونه می‌بینیم که تجربیات ما آنها را شکل داده ضمن آنکه هرگز نمی‌توانیم کاملاً مطمئن باشیم که دیگران دنیا را مثل ما می‌بینند و می‌افزاید فرض کنید سال‌ها پیش تصمیم می‌گرفتیم هرچند گاه یک‌بار، نقطه‌نظرهای خود را از «چیزها» ثبت و آن را در طول عمرمان و در مقاطع زمانی گوناگون ثبت می‌کردیم. اکنون اگر چنین ثبت‌شده‌هایی در اختیارمان بود و آن‌ها را با یکدیگر مقایسه می‌کردیم به فرض این امکان را داشتیم که به همین طریق آن‌ها را با دیدگاه دیگران مقایسه می‌کردیم، احتمالاً از میزان تفاوت‌ها شگفت‌زده می‌شدیم. (Trenholm, 2000: 10) در مدل، هر معنی به صورت یک گوی کوچک تجسم شده است. (تصویر ۱)

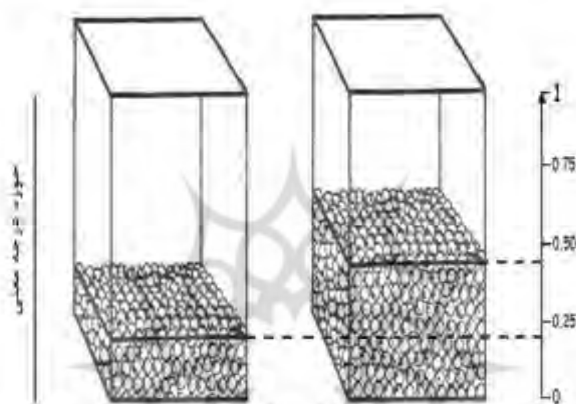


تصویر ۱- تجسمی از معنی

جایگاهی که معنی در آن قرار دارد یا «منبع معنی» دارای حجمی نامحدود است. ظرفیت معنی‌های موجود در افراد تابع سن، سطوح تحصیلات، تخصص و تجربه و احتمالاً محیط‌های جغرافیایی و فرهنگی گوناگون آنان است. که در مدل با الهام از مدل

1. Activity-Regulated Cytoskeleton-associated protein
2. Cognition

بیکر (Becker, 1968) منبع معنی به صورت مکعبی ترسیم شده که گوی‌های معنی در آن جای گرفته و حجم آن به صورت درجاتی میان صفر و یک فرضی مشخص شده است. (تصویر ۲)



تصویر ۲ - دو منبع معنی با دو درجه معنی

معنی‌های نشسته در «منبع معنی» نه تنها مجزا و منفک از یکدیگر نیستند، بلکه میان بسیاری از آنها روابطی برقرار است با درجاتی از شدت و ضعف. «تداعی»^۱ نمایشی است از این روابط. آن چنانکه در تعریف آن گفته‌اند که محصول پیوند ایده‌ها، بر اساس اصول مشابهت، مجاورت و تضاد در ذهن است. (سولسو، ۱۳۷۱: ۶۵۲) یا تعریف هری لوراین که گفته است: «تداعی، متصل کردن یا به هم پیوستن دو چیز [معنی] در ذهن است» (لوراین، ۱۳۷۵: ۳۱) اگر آن میکروسکوپ فرضی را به خدمت بگیریم، چنین پیوندهایی را می‌توان به صورت تصویر شماره ۳ مجسم کرد.



تصویر ۳- تجسمی از همبستگی میان برخی معنی‌ها با درجه‌ای از شدت

قطعاً بسیاری از همبستگی میان معنی‌ها (خطوط سفید مدل‌بالا) و شدت و ضعف آن‌ها (تعداد خطوط موازی میان معنی‌ها) در افراد گوناگون مشابه نیست، مثلاً یکی از عوامل ایجادکننده این همبستگی «علاقه» است. آن‌چنان‌که گفته‌شده میان اتصال‌های یادآورنده ذهنی و علاقه، همبستگی وجود دارد (لوراین، ۱۳۷۵: ۳۲) و می‌دانیم که مجموعه علایق هر فرد می‌تواند چقدر متفاوت با دیگری باشد. در واقع پیچیدگی گنج‌کننده ارتباط از آنجا سرچشمه می‌گیرد که ۱- سرشماری تعداد معنی‌های موجود در دو منبع معنی (درجه معنی) متفاوت باشد. (معنی بخصوصی در مغز یکی باشد و در دیگری نباشد) مانند یک فرد به‌شدت مذهبی در مقابل یک فرد به‌شدت سکولار ۲- فقره‌های به‌ظاهر مشابه «معنی»، اما در اصل متفاوت (معنی همسر در یک جامعه سنتی مردسالار با یک جامعه مدرن تساوی طلب) ۳- تفاوت میان ساختار پیوند میان معنی‌ها: قسمتی از این پیچیدگی همان است که جی استوارت گفته که در ارتباط مشکل از زمانی آغاز می‌شود که مردم به‌طور اشتباه می‌انگارند که دیگران لغات را در همان معنایی که آن‌ها به کار می‌گیرند، استفاده می‌کنند. کلمات معنایی ندارند، مردم هستند که به آن‌ها معنا می‌دهند و اغلب این کار را به گونه‌هایی بسیار متفاوت انجام می‌دهند» (Adler, 2009: 70).

در تصویر شماره ۴، سه گوی، هر یک نماینده یک معنی خاص کنار هم قرار گرفته‌اند که اگرچه در نگاه اول شبیه به نظر می‌رسند، اما سایه‌روشن‌های متفاوت آن‌ها نماینده تفاوت‌های پنهان یا آشکاری است که سه نفر دارنده این سه معنی همانم، ممکن است داشته باشند.



تصویر ۴- معنی دموکراسی در سه مغز متعلق به سه فرد متفاوت

رابطه معنی و نشانه‌ها

شواهد حاکی از آن است که ذخیره‌سازی معنی، مقدم بر یادگیری زبان است (Beck, 146-148: 2002). واژه‌ها در زبان به‌عنوان گونه‌ای از نشانه‌ها، معنی‌ها را نمایندگی می‌کنند.

انواع نشانه‌ها

حدود یک قرن است که برای دسته‌بندی نشانه‌ها، پیشنهادهایی مطرح می‌شود، مانند دودسته ایکونیک‌ها^۱ و غیرایکونیک‌ها^۲ (Saussure, 1916). یا سه دسته نشانه طبیعی^۳، نشانه تصویری^۴ و نشانه قراردادی^۵ (Donis, 1981: 72) و یا سه دسته شمایل‌ها^۱، نمایه‌ها^۲ و نمادها^۳ (صفوی، ۱۳۸۳: ۳۵).

1. iconic
2. Non iconic
3. Natural signal
4. Pictorial signal
5. Conventional signal

از آنجا که طی سال‌های اخیر و در اثر رواج اینترنت، انواع نشانه‌های ثابت و متحرک به مراتب بیش از گذشته و به نحو فزاینده‌ای وارد ارتباطات روزمره شده و احتمال ابداع فن‌آوری‌های جدید در جابجایی نشانه‌های مرتبط با حس‌هایی بیش از شنوایی و بینایی می‌رود در مدل منبع معنی دسته‌بندی سه‌گانه‌ای به شرح زیر پیشنهاد شده است: ۱- نشانه‌های قراردادی گفتنی - نوشتنی، ۲- نشانه‌های قراردادی نشان دادنی و ۳- نشانه‌های غیر قراردادی نشان دادنی^۴

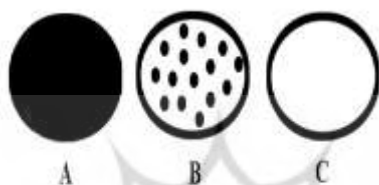
«نشانه‌های قراردادی گفتنی / نوشتنی» تمامی نشانه‌هایی است که میان نشانه و محتوا یا میان بازنمایی و آنچه بازنمایی می‌شود، تشابهی وجود نداشته و نشانه خوانی آن‌ها مستلزم شنیدن یا خواندن باشد. بنابراین سواى تمام واژه‌های همه زبان‌های دنیا، خیلی صداهای دیگر، با وجود آنکه کلمه نیستند در این دسته جای می‌گیرند. مانند سوت پلیس راهنمایی و رانندگی، یا صدای «هیشش» با محتوای ساکت. در حوزه نوشتنی‌ها نیز علامت سؤال [؟]، علامت درصد [%]، علامت دلار [\$] و علائمی دیگر اگرچه کلمه نیستند، اما قراردادی خواندنی می‌باشند.

مشهورترین «نشانه‌های قراردادی نشان دادنی» تصویر پرستاری است که انگشت اشاره‌اش را رو به بالا، در مقابل بینی‌اش گرفته است که یک قرارداد است. قراردادی تقریباً دیرپا و جهانی.

1. icon
2. index
3. symbol

۴- با تشکر از دکتر احمد کریمی حکاک استاد زبان و ادبیات دانشگاه مری لند آمریکا که برای این سه دسته نشانه، به ترتیب معادل‌های انگلیسی زیر را پیشنهاد نمود: conventional oral-written signs و conventional indicative signs

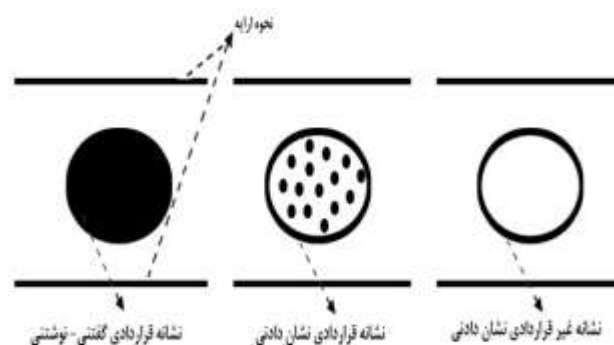
نشانه‌های غیر قراردادی نشان دانی» را می‌توان در بسیاری از کنش‌های ارتباط غیرکلامی و یا پیام‌های تولیدی به‌وسیله نقاشی، عکاسی، فیلم‌برداری، رقص، تئاتر و از این قبیل دید، که عملاً میان نشانه و اصل مقصود یا میان بازنمایی و آنچه بازنمایی می‌شود کم‌وبیش رابطه‌ای غیر قراردادی از جمله مجاورت (شرم و سرخ شدن صورت) و شباهت (Emoticons) مورد استفاده در مبادله ایمیل یا اس ام اس). (تصویر ۵)



تصویر شماره ۵- A نشانه قراردادی گفتنی-نوشتنی، B نشانه قراردادی نشان دانی و C نشانه غیر قراردادی نشان دانی

پیام: نحوه ارائه

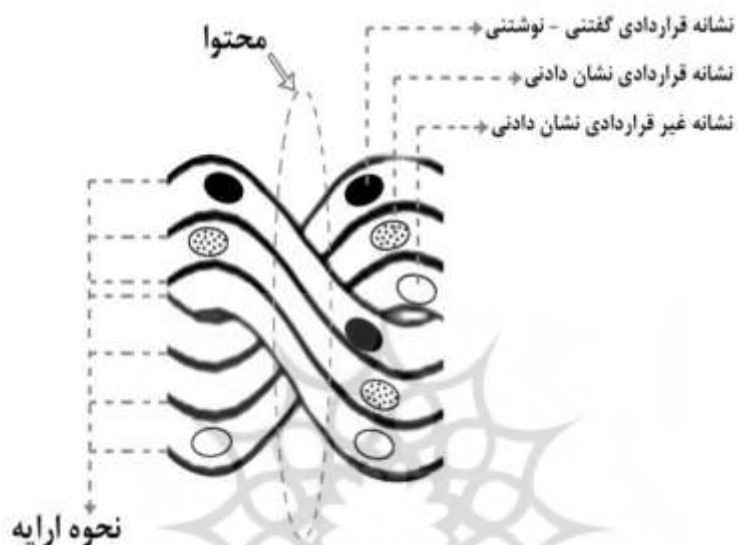
ما از کودکی می‌آموزیم که از هر سه دسته نشانه‌های قراردادی گفتنی/نوشتنی، نشانه‌های قراردادی نشان دانی و نشانه‌های غیر قراردادی نشان دانی استفاده کنیم. اما این استفاده حسب مورد، دربرگیرنده نحوه ارائه‌های گوناگون است. مثلاً کودک به‌زودی یاد می‌گیرد که وقتی می‌خواهد مادرش را صدا کند، گاهی تن صدایش صمیمی، گاهی اعتراض‌آمیز و گاهی با التماس باشد. این آغاز دوره‌ای است که او می‌آموزد که چگونه برای ارتباط از «پیامی» مرکب از نشانه، نحوه ارائه و محتوا استفاده کند. این تقسیم‌بندی سه‌گانه، همان دسته‌بندی مشهور دیوید برلو است. (Berlo, 1960: 54-59). در مدل برای نمایش نحوه ارائه از دو خط موازی استفاده شد که هر یک از نشانه‌ها را در برگرفته است. (تصویر



تصویر ۶- تجسم نشانه و نحوه ارائه برای سه نوع نشانه در دسته‌بندی پیشنهادی

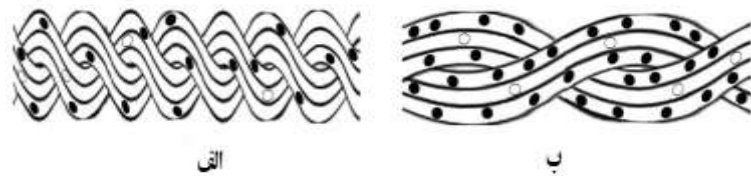
محتوا محصول در هم آمیختن نشانه‌ها و نحوه ارائه آنهاست. نکته مهم آن است که محتوا مجرد از نشانه و نحوه ارائه نیست. در ارتباط کلامی اگر نشانه قراردادی مانند «مادرم» را به زبان نیاورید، نوبت نحوه ارائه آن‌هم نخواهد رسید وقتی هر دو نباشند، محتوایی نیز وجود نخواهد داشت. بیایید در عالم خیال، «نحوه ارائه» را یک‌رشته نخ تصور کنید. سپس روی آن، بیضی‌های سیاهی را با فواصلی متناسب با مدت‌زمان مکث‌های میان کلمات (نشانه قراردادی گفتنی/ نوشتنی) با جوهر ترسیم کنید. سپس همین عمل را روی نخ دیگری با بیضی‌های نقطه‌چین (نشانه قراردادی نشان دادنی) و روی سومین نخ با بیضی‌های سفید (نشانه غیر قراردادی نشان دادنی) انجام دهید. حالا اگر با این نخ‌ها، یک طناب بیافید، می‌توانید پیچ‌وخم طناب را به دیگران نشان دهید و بگویید این پیچ‌وخم‌ها نیز «محتوای پیام» است. وقتی نخ‌ها تبدیل به طناب شدند، همه می‌توانند پیچ‌وخم‌های آن‌که بیانگر محتوای پیام است را ببینند و حتی با لمس کردن طناب نیز می‌توانند آن‌ها را حس کنند. اما اگر نخ‌ها را همراه با بیضی‌های روی‌شان یک‌به‌یک از طناب بیرون بکشید، پیچ‌وخم‌ها یا محتوا نیز محو خواهد شد. رابطه نشانه،

نحوه ارائه و محتوا نیز مشابه همان طناب درهم‌تنیده، به شکل تصویر ۷ است. در این شکل، محدوده‌ای که با نقطه‌چین بیضی مشخص شده، نماینده «محتوا» است.



تصویر ۷- تجسم محتوا به‌عنوان محصولی از ترکیب نشانه و نحوه ارائه

گاه می‌توان با تعداد کمی از واژه، اما بجا و مناسب و نحوه ارائه‌ای منطقی و مناسب پیامی پرمحتوا را منتقل کرد تصویر ۸ الف می‌تواند نماینده شعر مشهور بی‌تو مهتاب شبی باز از آن کوچه گذشتم / همه تن چشم شدم خیره به دنبال تو گشتم باشد و تصویر ۸ ب، بیانگر یک سخنرانی کم محتوا اما پر واژه باشد که سخنران با کنار هم قرار دادن تعدادی از انواع نشانه‌های با ربط و بی‌ربط و نحوه ارائه‌ای منطقی و غیرمنطقی، عملاً پیامی کم محتوا و پر واژه تولید نماید.



تصویر ۸- الف: پیام پر محتوا و کم نشانه، ب: پیام کم محتوا و پر نشانه

تجلی معنی

این که چرا یک معنی در ذهن من یا شما، در لحظه‌ای خاص متجلی^۱ می‌شود؟ سؤالی است که شاید اساس تفاوت برخی از مدل‌های ارتباطی از بقیه شده باشد، مانند مدل برن لوند. (Seren, 1970: 95)

به نظر می‌رسد که بحث علت تجلی معنی مرتبط با تفکیک ذهنیت (Subjective= S) و عینیت (Objective=O) باشد (با آگاهی از دشواری‌های بسیاری که چنین تفکیکی وجود دارد) در جامعه‌شناسی معرفتی گروهی معتقد بودند که قضاوت‌ها از تسلط ذهنیت بر عینیت یا $\frac{S}{O}$ سرچشمه می‌گیرد. مانند آگوست کنت^۲، شلر^۳ و هگل^۴ گروهی دیگر معتقد بودند که بالعکس، قضاوت محصول حکومت عینیت بر ذهنیت یا $\frac{O}{S}$ است، مانند

۱- برای «تجلی معنی» می‌توان معادل انگلیسی «epiphany meaning»

را به کار برد. فرهنگ لغت معاصر انگلیسی لانگ من (Longman) اپی فامی را « موقعیتی دانسته که فرد به‌طور ناگهانی چیزی را به یاد می‌آورد». فرهنگ زبان انگلیسی وبستر آن را یک ظهور یا درک ناگهانی ذات یا معنای چیزی دانسته است. در برخی منابع فارسی نیز برای «epiphany» معادل تجلی آمده است. مانند کتاب تاریخ طبیعی دین ترجمه حمید عنایت یا کتاب واژگان تخصصی ارتباطات و مطالعات رسانه‌ها تألیف حسین حسینی و جعفر محمدی و همچنین کتاب فرهنگ واژگان علوم اجتماعی تألیف شیوا شکاری و وجیهه معصوم .

2. A.Conte
3. M. Scheler
4. G.Hegeal

کارل مارکس^۱ و مانهایم^۲ و کسانی نیز مانند ماکس وبر^۳ و ژرژ گورویچ^۴ معتقد به تلفیق این دو بودند (آشتیانی، ۱۳۵۵: ۳۶). در ارتباط نیز این تلفیق حاکم است. گاه سهم فعل و انفعالات پیچیده ذهن ما در وقوع این پدیده بیشتر است، مانند زمانی که در تنهایی و اعلام دل‌تنگی با خود درباره کسی که دوستش داریم ممکن است حتی نامش را به‌صورت نجوا به زبان آوریم. این پدیده در کار نویسندگان بزرگ نیز دیده می‌شود، مثلاً محمود دولت‌آبادی، نویسنده رمان ماندگار کلیدر در یک مصاحبه گفته است: «ذهن هر نویسنده یک‌روند و یک پویشی دارد که به‌صورت یک اصل درمی‌آید. این اصل در ذهن من آن است که تا مادامی که قهرمان‌ها در ذهنم پرورش نیافته و آماده زاده شدن نشده‌اند، دست‌به‌قلم نبرم. ممکن است سی سال آدم‌هایی در ذهنم زندگی کنند، به‌انحاء‌گوناگون ورز پیدا کنند، تغییر پیدا کنند، روابطشان را با سایرین خودشان کشف کنند. من بارها این‌ها را در ذهنم می‌نویسم، اما این‌ها همه در ذهنم هستند. اما در حقیقت وقتی شروع به نوشتن می‌کنم که آن‌ها به ناگزیری تولد رسیده باشند و من را وادار کنند که باهمدیگر این زایمان را به عمل بیاوریم. برای همین هست که دشوارترین لحظات خودم را وقتی می‌دانم که کار نمی‌کنم. اما ذهنم همچنان درگیر این پدید آوردن است. همین است که می‌گویم شش جلد آخر کلیدر سه سال وقت من را گرفت (گرگین، ۱۳۹۱: ۵۲۶).

گاه عینت بر ذهنیت توفیق می‌یابد مثلاً ممکن است یک عابر پیاده در مواجهه با تظاهرات خیابانی، صرفاً در اثر دیدن خشونت‌های نابرابر، بدون قصد قبلی با تظاهرکنندگان هم صدا شود. این پدیده تجلی معنی بر اثر تفوق عینیت بر ذهنیت را می‌توان درباره آثار نویسندگان بزرگ نیز جستجو کرد. نمونه‌اش در خاطرات بزرگ علوی از صادق هدایت قابل مشاهده است، گفته است: «صادق هدایت گاهی به دهات می‌رفت و با نان و ماست می‌ساخت. از این سفرهای تنها لذت می‌برد. یک‌بار برای دیدن

-
1. K. Marx
 2. K. Mannheim
 3. M. Weber
 4. G. Gurvitch

برج ورامین راهی آنجا شد. توصیفش از چند دکان کوچک نانوائی، قصابی، عطاری، دو قهوه‌خانه، یک سلمانی، آفتاب سوزان، گردوغبار و آسمان لاجوردی، چناری کهنه با شاخه‌های کج‌وکوله و میان تنه‌ای پوک همه منطبق با آن چیزی بوده که می‌دیده است. بعد از دو پسر بچه شیرفروش حرف می‌زند و آدمی که قلاده را از گردن سگی ولگرد می‌رباید و لگد محکم به او می‌زند و دیگر آن‌که او را دست‌به‌سر می‌کند و محض رضای خدا، سگ نجس را می‌سوزانند. دیدن این صحنه‌ها اثری بر او گذارد که سگ ولگرد را نوشت (گرگین، ۱۳۹۱: ۵۲۱).

هدف از ارتباط

ارسطو هدف از ارتباط را اقناع دیگران گفته است (Rhys, 1946: 6). مشابه این نظر را می‌توان در مباحث ارتباطات اقناعی^۱ در حوزه رسانه‌ها نیز یافت (Mongeau and Adair, 2002; Perloff, 2013). در مباحث مربوط به ارتباطات میان فردی، بیشتر از ارتباطات اثرگذار^۲ صحبت می‌شود و هدف از ارتباطات را تأثیرگذاری می‌نامند (Harvey, 2009; Harvey, 2014) در هر حال می‌دانیم در مقابل این سؤال که چه تأثیری، هزاران پاسخ می‌توان ارائه داد که حتی اقناع نیز یکی از آنهاست. بنابراین بدون آن که نیاز به تفکیک ارتباطات رسانه‌ای با غیر رسانه‌ای باشد، هدف را می‌توان تأثیرگذاری دانست.

سطح توانایی ارتباطی

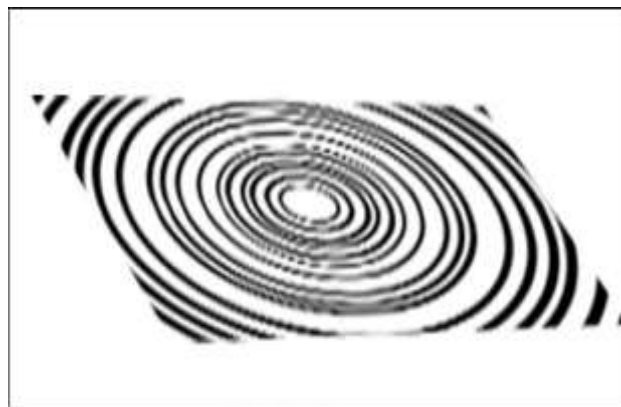
پس از آن که معنی تحت تأثیر تفوق آن لحظه ذهن بر عین یا عین بر ذهن و به انگیزه یک هدف خاص، متجلی شد، نخستین مرحله، انتخاب ردیفی از هر یک از نشانه‌ها با نحوه ارائه‌ای خاص به منظور ساخت محتواست. در فاصله این لحظه، تا لحظه‌ای که

1. persuasive communication
2. effective communication

کلماتی از دهان بیرون می‌آید - یا نوشته می‌شود - یا دستی به صورت اشاره بالا می‌رود و یا اخمی که بر چهره می‌نشیند و به عبارتی پیامی ساخته شود، عاملی نقش دارد که آن را «توانایی ارتباطی» می‌نامیم.

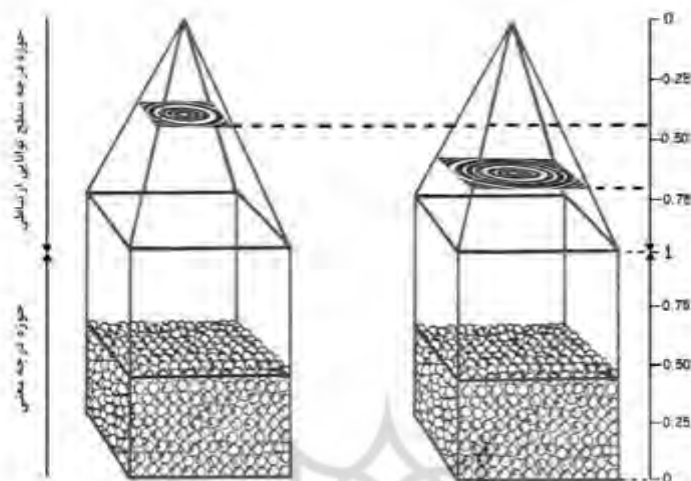
سطح توانایی ارتباط تا حدودی همان است که آن را «مهارت ارتباطی»^۱ یا «قابلیت‌های ارتباطی»^۲ گفته‌اند. (Trenholm, 2000: 10) اما ترجیح این است که از واژه «توانایی»^۳ به جای «مهارت»^۴ استفاده نمود. مهارت «داشتنی» است که از طریق آموزش، تمرین، تکرار و تجربه به دست می‌آید، اما توانایی، داشتنی است که همه یا بخشی از آن ذاتی نیز می‌تواند باشد و نیازی به تمرین و تکرار و تجربه ندارد. اگرچه هر دو کارکردی مشابه دارند، اما منشأ آن دو، یکسان نیست. اگر توانایی و مهارت را همچون ثروت فرض کنیم، آدم ماهر مانند ثروتمندی است که ثروت او حاصل پول درآوردن باشد. درحالی‌که آدم دارای توانایی مالی، مانند ثروتمندی است که نمی‌دانیم منشأ ثروت او آیا ارثیه است یا مهارت پول درآوردن. آدمی که صدای دلنشین و مؤثر و رسایی دارد، در ارتباط توانایی بیشتری دارد تا آدمی که صدای ناموزون و به اصطلاح تودماغی دارد. این توانایی همچون ارثیه‌ای است که به او رسیده نه یک مهارت اکتسابی. اما بخشی از توانایی‌های ارتباطی اکتسابی است، مانند فردی که توانسته سوای زبان مادری، به زبانی دیگر تسلط یابد. به همین ترتیب آدمی که توانایی شناخت هیجانات خود و دیگران و استفاده از این شناخت در روابط بین فردی و تصمیمات شخصی بیشتری دارد یا به عبارت دیگر از هوش هیجانی بیشتری برخوردار است، سطح توانایی ارتباط او بیشتر است. در مدل منبع معنی، سطح توانایی ارتباطی همچون حلقه‌های تنه درخت، به صورت صفحه‌ای فرض شده که در آن حلقه‌های بسیاری قرار دارد که با شمارش آن‌ها، می‌توان به عمر درخت پی برد (تصویر شماره ۹).

-
1. Communication Skills
 2. Communicative competence
 3. ability
 4. skill



تصویر ۹- سطح توانایی ارتباطی

از آنجا که توانایی ارتباطی افراد یکسان نیست، در تصویر زیر سطح توانایی ارتباطی درون هرم به گونه‌ای جای داده شده که هر چه مساحت آن بیشتر شود، به قاعده هرم نزدیک تر خواهد شد. اگر نوک هرم را معادل صفر و قاعده آن را معادل یک فرض کنیم، هر کس را می‌توان با درجه‌ای از سطح توانایی ارتباطی، ارزیابی کرد. اگر چه می‌توان تصور نمود که به طور عام میان درجه منبع معنی و درجه سطح توانایی ارتباطی همبستگی مثبت وجود داشته باشد، اما این بدان معنی نیست که آنانی که منبع معنی غنی دارند، الزاماً توانایی ارتباطی بالایی هم دارند. رابطه این دو در تصویر ۱۰ آمده است.



تصویر ۱۰- درجه سطح توانایی و درجه منبع معنی

وسیله نشانه گذاری وسیله ارسال نشانه

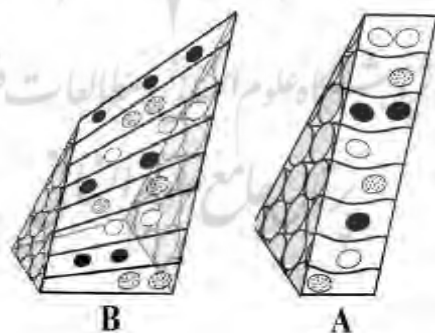
از آنجا که در انسان، وسیله نشانه گذاری و ارسال نشانه چندان قابل تفکیک نیستند، بسیاری از مدل‌ها، این دو را باهم ترسیم کرده‌اند. اما تفکیک این دو را به راحتی می‌توان پذیرفت که به یادآوریم «گفتگو با خود» را دیگران نشنوند (Vocate, 2009: 7) این عمل مشابه آن است که روزنامه‌ای در چاپخانه، درحالی که آخرین مراحل چاپ را می‌گذراند توقیف و توزیع آن متوقف شود. درواقع روزنامه نشانه گذاری شده ولی تکثیر و توزیع نشده است.

وقتی می‌خواهیم ارتباط برقرار کنیم، وسیله‌ای لازم است که عمل «نشانه گذاری»^۱ را انجام دهد. این همان است که در برخی از مدل‌ها بانام رمزگذار^۲ آمده است. نشانه گذار

1. Ensigner
2. Encoder

عده‌دار انتخاب و چینش هر یک از سه نشانه به شکل موردنظر منبع معنی است. وسیله‌ای که عده‌دار ارسال محصول تولیدی وسیله نشانه‌گذاری باشد، «وسیله ارسال نشانه» نامیده می‌شود که در برخی از سیستم‌های ارتباط راه دور (مانند پست) مجزا از ابزار نشانه‌گذاری و در برخی سیستم‌ها (مانند نشانه‌گذاری به وسیله مرکز سخن‌گویی در مغز و ارسال نشانه به وسیله حنجره، زبان و لب‌ها) به‌ظاهر به‌صورت یکپارچه احساس می‌شود اما وقتی می‌توانیم «گفتگو با خود» را دیگران نشنوند، حاکی از آن است که نشانه‌گزار، متفاوت با ارسال‌کننده نشانه است (Vocate, 2009: 7) از عملکرد وسیله نشانه‌گذاری وسیله ارسال نشانه است که پیام وارد مرحله ارسال می‌شود. (تصویر ۱۲)

پیامی که می‌تواند حاوی نشانه تعدادی از هر یک از سه نوع نشانه گفتنی / نوشتنی قراردادی، نشان دانی قراردادی و غیر قراردادی (بیضی‌های سیاه، نقطه‌چین و سفید) و نحوه ارائه (خطوط میان آن‌ها) باشد که محتوایی را تشکیل دهند که ارتباط گر کوشش کرده معادل^۱ معنی یا معنی‌هایی باشد که در او متجلی و موردنظر اوست. حال اگر معنی متجلی شده در ارتباط گر را با **M** و محتوا^۲ یا حاصل نشانه‌گزینی و نشانه‌گذاری ارتباط گر را با حرف **C** نشان دهیم، این که **C** تا چه حد نمایندگی **M** را دارد ($M \rightarrow ? C$) نخستین مسئله ارتباط است.



تصویر ۱۱- A: وسیله نشانه‌گذاری و B: وسیله ارسال نشانه

1. equivalent
2. Content

کانال

پیام می‌تواند به صورت نوشته روی کاغذ، امواج صوتی در هوا، جریان الکتریسیته در داخل سیم تلفن‌های قدیم و امروزه انواع امواج الکترومغناطیس در فضا یا کابل‌های نوری راه خود را طی کند. در اینجا مجرایی که پیام از آن عبور می‌کند کانال^۱ نامیده می‌شود. (تصویر ۱۲) گاه مسیرهای حمل و نقل^۲ جایگزین کانال می‌شوند، مانند پست. همین مشابهت‌ها بود که برخی از منابع قدیمی، راه‌آهن را نیز در گروه وسایل ارتباطی جای می‌دادند، اما به تدریج این کار منسوخ شد. مثلاً در اواخر دهه ۱۹۶۰ ویلیامز پیشنهاد کرد که برای معرفی وسایل انتقال انسان‌ها و کالاها به جای ارتباطات از حمل و نقل^۳ استفاده شود، (Williams, 1968: 17).



تصویر ۱۲- کانال

وسیله دریافت نشانه و نشانه خوانی

اگر یک فردی ناشنوا در مقابل گیرنده رادیو نشسته باشد و نتواند صدای آن را بشنود، اگر تلفن همراه او از نسل اول تلفن‌های همراه باشد و نتواند ایمیل‌ها را دریافت کند، اگر دیش و ریسور ماهواره نداشته باشد و نتواند برخی فرستنده‌های تلویزیونی را تماشا

-
1. channel
 2. transportation
 3. Transfer

کند؛ همه به این دلیل است که فاقد وسیله دریافت نشانه^۱ مورد لزوم است. درحالی که ممکن است وسیله نشانه خوانی آن را داشته باشد. مثلاً اگرچه گوش او صدای رادیو را نمی شنود، ولی اگر از سمعک استفاده کند، صدا را خواهد شنید. زیرا مرکز شنوایی او در مغز سالم است. درواقع در اینجا نیز وسیله مجزا مشغول عمل است؛ وسیله دریافت نشانه وسیله نشانه خوانی^۲ که مجموع آن‌ها نیز بخشی از وسایل ارتباطی محسوب می شود. تصویر وسیله دریافت نشانه و نشانه خوانی گویی تصویر نشانه گذاری و ارسال نشانه بر روی آینه است.

اگرچه شکل وسیله دریافت نشانه و نشانه خوانی ظاهراً شبیه شکل وسیله نشانه گذاری و ارسال نشانه است، اما مشخص است که نمی توان آن دو را روی هم منطبق کرد، زیرا هرکدام معکوس دیگری است. گویی عکس یکی، عکس بر آینه افتاده دیگری است. همان طور که وسیله نشانه خوانی، معکوس وسیله نشانه گذاری است.

هنگامی که پیام به حوزه «وسیله نشانه خوانی» می رسد، اگر دریافت شود نیز ممکن است نتوان نشانه خوانی کرد. آدمی که شنواست و زبان فرانسه نمی داند، نمی تواند با شنیدن واژه های آن زبان، پیام را نشانه خوانی کند. مرحله نشانه خوانی پیام، مرحله بسیار مهمی در ارتباط است. زیرا در این مرحله، ارتباط گیر (گیرنده) از محتوای پیام دریافتی (C) اقدام به صیدی می کند که حاصل آن صید را می توان مفهوم (C')^۳ نامید که الزاماً همیشه مشابه محتوا نخواهد بود و در نتیجه نسبت C' بر C همیشه عدد ۱ نیست. آن چنانکه معادل صفر آن را می توان در تمثیل ۱۰۲ بیتی مولوی در باب «اختلاف کردن در چگونگی و شکل پیل» به خوبی دید. مولوی می گوید در شبی کاملاً تاریک، فیلی را برای نخستین بار به شهری آوردند. هر کس در آن تاریکی شب، کف دستش را برجایی از بدن فیل می کشید. آنکه خرطوم را لمس کرده بود، آن را ناودان دانست. لمس کننده

-
1. Sign Receiver
 2. Designer
 3. Content
 4. Concept

گوش، آن را بادبزن و لمس کننده پا، آن را ستون نامید. در اینجا مولوی نتیجه می‌گیرد که اگر به دست هر کدام شمعی می‌دادند این اختلاف برطرف می‌شد. بکارگیری اصطلاح «صید مفهوم از محتوا»، استنباطی از ابیات بعدی مولوی است. او درحالی‌که اعتبار حس لامسه را زیر سؤال برده بود، بینایی را نیز در همان سطح تنزل داده و آن‌ها را مشابه یکدیگر نامیده و آنگاه از چشم خاصی سخن می‌گوید که مفسران آن را «چشم دریابین» نامیده‌اند (زمانی، ۱۳۸۲ ج ۳: ۳۱۵) و چون «صید» مهم‌ترین کنش آدمی در دریاست، این واژه برای دریافت مفهوم (C') از محتوا (C) به کار رفت. بنابراین این سؤال که C' تا چه حد مشابه C است مسئله دوم ارتباط است.

عبور محتوای پیام از سطح توانایی ارتباط گیر

پیام دریافتی ارتباط گیر از سطح توانایی ارتباطی او عبور کرده و تبدیل به مفهومی می‌شود که ممکن است مشابه محتوا باشد و یا نباشد. اگر محتوای تولیدی ارتباط گر را با حرف C نشان دهیم و آنچه ارتباط گیر از محتوا صید کرده را C' بدانیم، این که C' تا چه حد مشابه C است ($\frac{C'}{C} = ?$)، مسئله دوم ارتباط است. حل این مسئله می‌تواند با توانایی‌های ارتباطی مرتبط باشد. مثلاً در ارتباط کلامی، درست گوش دادن، بخشی از چنین توانایی است. آن چنانکه گفته‌شده گوش دادن فقط شنیدن یا دریافت کردن صداهای ورودی نیست، بلکه پدیده‌ای فعال برای معنا بخشی [مفهوم بخشی] به پیام شفاهی دیگری است (Emmert, 1996: 2-3). وقتی عده‌ای در حال شنیدن پیام مشابه‌ای باشند، ممکن است هر کدام از آن‌ها به ادراکی [صید مفهومی] متفاوت دست زنند. این امر می‌تواند ناشی از آن باشد که آن‌ها به صورت متفاوتی گوش داده‌اند. (Floyd, 2009: 259) تصور می‌شود که سطح توانایی ارتباطی به هنگامی که فرد، نقش ارتباط گر را ایفا می‌کند، با وقتی که او ارتباط گیر است، به یکدیگر وابسته باشد (Seren, 1970: 94).

تفسیر و ارزیابی معنی متجلی شده

مفهوم صیدشده ارتباط‌گیر، منتهی به تجلی معنی در او می‌شود که آن را با نشان می‌دهیم. به دنبال تجلی فعل و انفعالات پیچیده‌ای روی می‌دهد که در ظاهر «تفسیر و ارزیابی پیام» ولی در واقع تفسیر و ارزیابی معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر () در اثر مفهوم صیدشده از محتوا (C') است. پدیده‌ای که در حوزه «گفتار درونی» جای می‌گیرد و قلمرو آن ادراکات، احساسات، تصاویر و پاره‌های مبهم اندیشه است و به واکنش‌های مبهمی مانند سرخ شدن ناشی از خجالت منتهی می‌شود (Vocate, 2009: 7). «تفسیر و ارزیابی معنی متجلی شده» حاصل پردازشی بسیار سریع در لابه‌لای معنی و شبکه‌های پیچیده همبستگی که میان آن‌ها انجام می‌شود و احتمالاً همان است که وکیت، از فرآیند ناشناخته‌ای در گفتگوی درون فردی سخن می‌گوید و آن را نشانه‌گذاری اندیشه به زبان یا رمزگشایی زبان دریافتی به معنا می‌نامد (Vocate, 2009: 6) و برآمده از دیالکتیک یا سلوک عقلی بین مغز و فرهنگ می‌داند که ساخت و ترکیبی منحصر به فرد را برای ذهن تولید می‌کند (Vocate, 2009: xi).

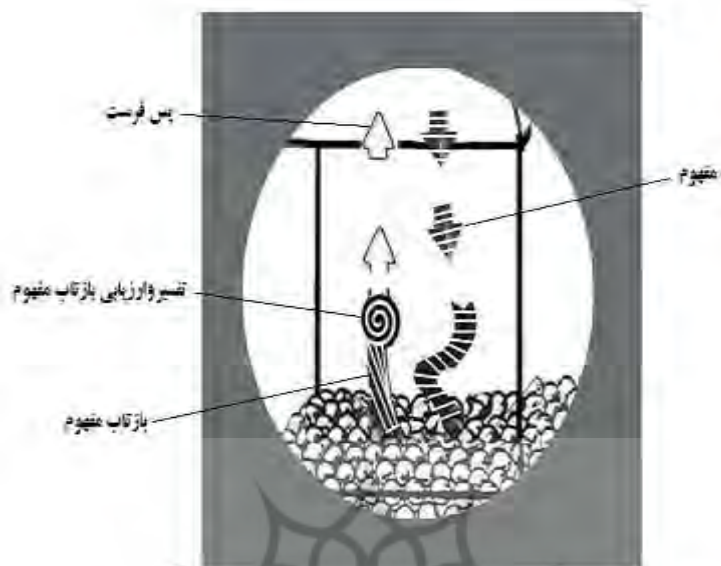
بازتاب مفهوم. تفسیر و ارزیابی‌ها و بازخورد

«تفسیر و ارزیابی معنی متجلی شده در اثر مفهوم» در ارتباط‌گیر یا گیرنده، پوشی را ایجاد می‌کند که سرخ شدن نمونه‌ای از آن بود. حرکت سر به نشانه موافقت و برگرداندن نگاه به نشانه بی‌علاقگی به موضوع، همان است که شراب آن را «فرا گرد بازگشت» نامیده و معتقد است که نقش بسیار مهمی در ارتباطات بازی می‌کند زیرا به ما می‌گوید که پیام‌های ما چگونه تفسیر می‌شوند» (Schramm, 1954: 18). این جمله را آندروش به‌گونه‌ای دیگر بیان کرده است و می‌گوید: «فرستنده پیام از طریق بازخورد، می‌تواند

نتیجه را با نیت اصلی و اولیه خود مقایسه کند» (Andersch, 1969: 5). بازخورد کنش پیچیده‌ای است که اگرچه متعلق به ارتباط گر (فرستنده پیام) است، اما وقوع آن به شدت وابسته به کنش‌های پیچیده‌تر ارتباط گیر (گیرنده) می‌باشد.

پس از آنکه مفهوم، سبب تجلی معنی شد «بازتاب مفهوم»^۱ پدید می‌آید. تفسیر و ارزیابی بازتاب مفهوم می‌تواند به «پس فرست»^۲ منتهی شود و اگر پس فرست به ارتباط گر برسد و او نیز آن را تفسیر و ارزیابی کند و حاصلش را در ادامه ارتباط به کارگیرد، آنگاه بازخورد روی داده است. درحالی که می‌دانیم ممکن است ارتباط گیر تلاش کند که حتی جلوی تفسیر و ارزیابی بازتاب مفهوم یا معنی متجلی شده مغز خود را بگیرد. به عبارتی موضوع را به هر دلیل^۳ از جمله رنج کشیدن در اثر فکر کردن راجع به آن^۴ از ذهن خود پاک کند. یا این که تلاش کند که تفسیر و ارزیابی، تبدیل به پس فرست نشده و به اصطلاح به بیرون درز نکند. شاید به همین دلیل است که بازجوها برای جلوگیری از چنین کنشی، به هنگام بازجویی از یک متهم، نورافکنی قوی بر چهره او می‌تابند تا پس فرست پیام خود را بهتر دریافت کنند. بنابراین پس فرست می‌تواند فرستاده شود یا نشود. اگر فرستاده شد، می‌تواند دریافت شود و یا دریافت نشود. آن چنان که کری فلوید می‌گوید گاهی می‌توان بدون این که حرف‌های کسی را گوش داد، آن را شنید، مانند وقتی که خسته هستیم، یا هنگامی که به صحبت‌های گوینده علاقمند نیستیم (Floyd, 2009: 264). در تصویر شماره ۱۳، ورود مفهوم به منبع معنی فرستنده، به صورت پیکان‌های هاشوردار افقی و به دنبال آن بازتاب مفهوم، به صورت پیکان‌های هاشوردار عمودی و تفسیر و ارزیابی معنی متجلی شده و یا بازتاب مفهوم، به صورت مارپیچ و شکل‌گیری پس فرست، به صورت پیکان سفید نشان داده شده است.

-
1. Concept reflex
 2. Send back



تصویر ۱۳- شکل‌گیری بازتاب مفهوم در اثر تجلی معنی، تفسیر و ارزیابی آن تا

شکل‌گیری پس فرست

«بازتاب مفهوم» اگر به مرحله تفسیر و ارزیابی تولیدکننده آن (گیرنده پیام) راه یابد و بر اساس آن پس فرست شکل بگیرد و به فرستنده پیام نیز برسد، ممکن است منتهی به یکی از سه پیامد زیر شود:

الف- پس فرست دریافت، تفسیر و ارزیابی شود و بر ادامه ارتباط اثر گذارد؛

ب- پس فرست دریافت و تفسیر و ارزیابی شود اما در ادامه ارتباط ایفای نقش نکند؛

ج- فقط پس فرست دریافت ولی نادیده گرفته شود.

فقط پیامد الف است که عناصر تشکیل‌دهنده بازخورد را کامل می‌کند. بنابراین

فرمول بازخورد عبارت خواهد بود از:

شکل‌گیری بازتاب مفهوم + تفسیر و ارزیابی بازتاب مفهوم + شکل‌گیری پس فرست + ارسال پس فرست (عاملاً یا غیر عمد) برای فرستنده + دریافت پس فرست از سوی فرستنده + تفسیر و ارزیابی پس فرست + لحاظ کردن حاصل تفسیر و ارزیابی پس فرست در ادامه ارسال پیام.

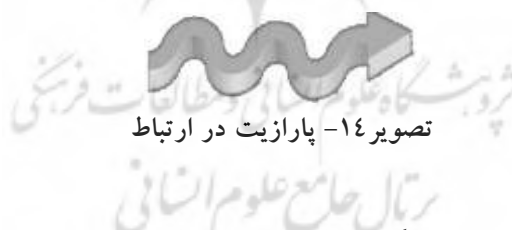
این فرمول به ظاهر پیچیده را می‌توان در نوشته دوتو، مؤلف اولین کتاب ارتباط شناسی هنگامی که از «خود- بازخورد» سخن می‌گوید بهتر درک کرد. وی می‌نویسد «ما به هنگام فرستادن پیام کلامی برای دیگران، شنونده خودمان نیز هستیم. همان‌طور که وقتی آنچه را می‌نویسیم خودمان نیز همزمان که می‌نویسیم، می‌بینیم و در واقع «خود- بازخورد» به وقوع می‌پیوندد و به کمک آن می‌توانیم خود را اصلاح کنیم، عبارتی را دوباره بسازیم و حتی ممکن است بر تغییر زیرکانه خود بر روی عبارت قبلی لبخند بزنیم» (Davito, 1978: 14).

در زندگی روزمره می‌توان وقوع هر سه پیامد الف، ب و ج را دید. به‌عنوان مثال کودک باهوشی که برای پنهان کردن خطای کوچک خود، از نگاه مادر می‌گریزد. نمونه ب و آدمی که در یک گفتگوی میان فردی، آنقدر ارتباطش خودخواهانه، مقتدرانه و در واقع عمودی است که اصلاً خود را بی‌نیاز به تفسیر و ارزیابی طرف مقابل می‌داند، نمونه ج است.

احتمالاً بازخورد به هنگام ارتباط با خود سریع‌تر از بازخورد به هنگام ارتباط چهره به چهره و آن نیز سریع‌تر از ارتباط گروهی و سرانجام همگی آن‌ها سریع‌تر از ارتباط جمعی روی می‌دهند. نکته‌ای که قسمتی از آن را سال‌ها پیش براس وستلی و مالکم مک لین مطرح کرده و گفته بودند در ارتباط چهره به چهره، بازخورد سریع روی می‌دهد (Sereno, 1970: 73-78).

پارازیت

می‌دانیم که اغلب عملکرد عناصر فرا گرد ارتباط در یک محیط به اصطلاح پاستوریزه انجام نمی‌شود. شنن ویوور برای اولین بار واژه پارازیت^۱ را با نقش یک پیکان بر روی کانال نشان دادند (Shannon, 1949). دوتو می‌گوید شاید قدیمی‌ترین نمونه پارازیت «تنگ‌نظری»هایی باشد که مانع از انتقال صحیح اطلاعات می‌شوند (Davito, 1978: 12). پارازیت به‌مانند میکروبی است که می‌تواند بر تک‌تک عناصر فرا گرد ارتباط، اثر بگذارد و چنان بیماری‌زا باشد که آثاری چون کم‌توانی و حتی ناتوانی در دستیابی به هدف از ارتباط ایجاد کند و در مواردی حتی به مرگ ارتباط در یک مقطع زمانی منتهی شود. برخی از این میکروب‌ها مستقیماً روی یکی از اندام‌ها یا به عبارت صحیح‌تر روی یکی از عناصر فرا گرد ارتباط و برخی از آن‌ها روی چند عنصر اثر مخرب دارند. هنوز دانش مستقلی برای مطالعه انواع این میکروب‌ها و تأثیر بیماری‌زای آن‌ها و شاید راه‌های درمان آن به وجود نیامده است. در مدل منبع معنی، پارازیت با الهام از خرنده‌ای همچون مار ترسیم شده که باید همیشه حضورش را غیرممکن ندانیم، ضمن آنکه باد در تلاش جهت ممانعت از ورود سم پارازیت به ارتباط باشیم. (تصویر ۱۴)



تصویر ۱۴- پارازیت در ارتباط

مجموعه آنچه تا این لحظه گفته شد، ارائه مدلی است که مدعی است خصلت تراکنشی ارتباطات انسانی را با حضور همه عناصر آن می‌تواند نشان دهد. وقتی از ارتباطات تراکنشی صحبت می‌شود، مقصود آن است که حتی در بهترین حالت، تفکیک بین فرستنده و گیرنده یا ارتباط گر و ارتباط گیر، امکان‌پذیر نیست و نامیدن آن‌ها

1. noise

به صورت فرستنده و گیرنده، فقط یک برچسب قراردادی است (Burgoon, 1994: 12-13). در چنین ارتباطی یک فعالیت اشتراکی حاکم است و موفقیت هر یک از دو طرف، وابسته به طرف دیگر هم هست (Adler, 2009: 11). «تراکنش» یکی از سه شکلی است که ارتباط به خود می‌گیرد، مانند آب که تحت تأثیر محیط به سه شکل «مایع»، «بخار» و «یخ» در می‌آید و هریک از شکل‌های یاد شده ویژگی‌های خاص خود را می‌گیرند. اگرچه ماهیت همه آن‌ها H₂O است. این شکل‌های سه‌گانه را استیو داک این‌گونه مطرح می‌کند: ۱- ارتباطات به‌مثابه کنش^۱، ۲- ارتباطات به‌منزله کنش متقابل^۲ و ۳- ارتباطات که هر دو بازیگر^۳ نه فقط برنده^۳ خوب به‌مثابه تراکنش^۳ (Duk, 2010: 10). در واقع ارتباط ممکن است گاه از جنس کنش باشد که حاصل آن جریان است، مانند آبی که از سوی باغبان بر روی گل‌ها پاشیده می‌شود. گاه ممکن است به صورت فراگرد باشد مشابه توپی که میان دو تنیس‌باز دست‌به‌دست می‌شود گاه پیچیده‌تر از آن و به شکل تراکنش است. گویی به صورتی خیال‌پردازانه، در آن بازی تنیس، توپ از جنس خاصی است که بقای آن تابع آن است که هر دو بازیگر خوب بازی کنند نه فقط بازیگر برنده. در واقع در ارتباط تراکنشی ارتباط‌گر و ارتباط گیر قبل از هر چیز باید مراقب بقای توپ باشند، نه این که کجا می‌افتد. این مستلزم آن است که هر دو بازیگر در هر لحظه همه عناصر تشکیل‌دهنده بازی را دیده‌بانی و تحلیل کنند. به نظر می‌رسد که هرچقدر ارتباط گرایش بیشتری به تبدیل شدن به تراکنش داشته باشد، احتمال حل مسائلی که قبلاً به آن اشاره شد، به‌ویژه مسئله نهایی یا مسئله چهارم (رسیدن به مشابهت معنی میان طرفین ارتباط یا نزدیک شدن به $\frac{M_1}{M} = 1$) بیشتر خواهد شد.

بنابراین بر اساس آنچه تاکنون گفته شد، شرط وقوع ارتباط موفق، حل چهار مسئله

زیر است:

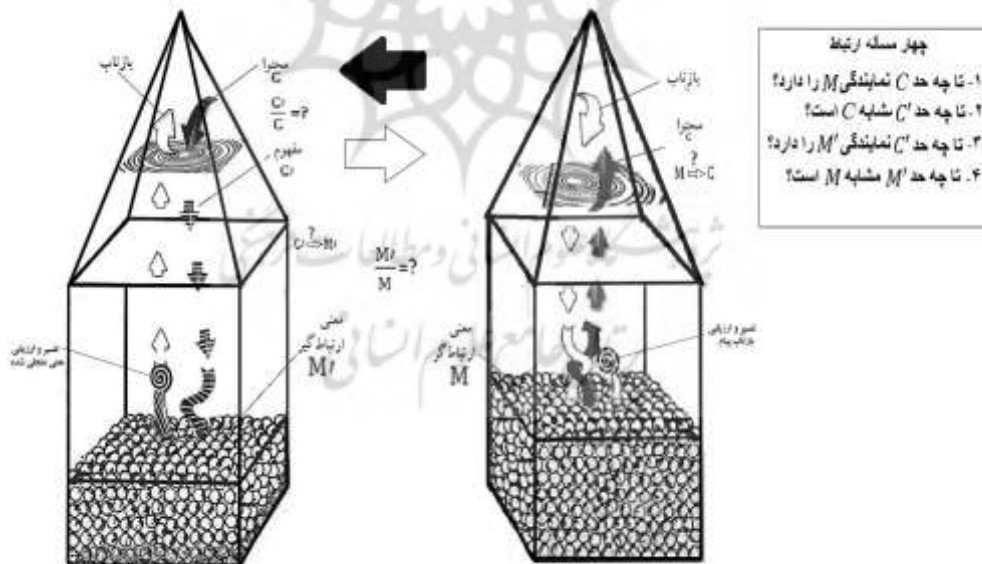
-
1. action
 2. interaction
 3. transaction

- مسئله اول: اگر معنی در ارتباط گر را با M و محتوا یا حاصل نشانه گزینی و نشانه گزاری ارتباط گر را با حرف C نشان دهیم، این که C تا چه حد نمایندگی M را دارد، مسئله اول ارتباط است.

- مسئله دوم: اگر آنچه ارتباط گیر از محتوا صید کرده را C' بدانیم، این که C' تا چه حد مشابه C است ($\frac{C'}{C} = ?$)، مسئله دوم ارتباط است.

- مسئله سوم: اگر معنی که در ارتباط گیر به واسطه C' متجلی می شود را M' بدانیم، اینکه M' تا چه حد نمایندگی C' را دارد، مسئله سوم ارتباط است.

- مسئله چهارم: (یا مسئله اصلی) اگر معنی متجلی شده در ارتباط گیر را M' و معنی مورد نظر ارتباط گر را M بدانیم، این که سرانجام M' تا چه حد مشابه M است ($\frac{M'}{M} = ?$) (مسئله چهارم ارتباط است در تصویر شماره ۱۵ مراحل شکل گیری این چهار مسئله نشان داده شده است:



تصویر ۱۵- چهار مسئله ارتباط

زمینه ارتباط

آنچه تاکنون از عناصر فراگرد تراکنشی ارتباط و کنش متقابل آن‌ها تجسم شده مجموعه‌ای است که در «شرایط گوناگون» ممکن است پویای متفاوتی داشته باشد. این شرایط گوناگون، همان «زمینه ارتباط^۱» است. در ارتباط وقتی یک پیام در زمینه‌های متفاوتی به کار می‌رود، می‌تواند معنی‌های [مفهوم‌های] متفاوتی داشته باشد، برای مثال، اگر در یک اردوگاه نظامی یک نفر فریاد بزند «آتش» معنای [مفهوم] کاملاً متفاوتی خواهد داشت با وقتی که یک نفر همان کلمه را در یک سینمای پر از جمعیت فریاد بزند» (Duck, 2010: 16).

«زمینه‌های ارتباط»، بیش از یک نوع است و در دسته‌بندی آن می‌توان نقطه‌نظرهای متفاوتی را دید. برخی آن را به فیزیکی، اجتماعی، روان‌شناختی و زمان‌شناختی تقسیم کرده‌اند (Davito, 1978: 10). عده‌ای آن را به سه دسته زمینه فیزیکی، زمینه موقعیتی و زمینه رابطه‌ای تقسیم کرده‌اند (Duck, 2010: 16-17). برخی به جای «زمینه» از واژه محیط استفاده کرده و آن را به دودسته محیط فیزیکی و تجربیات شخصی و پیش زمینه‌های فرهنگی تقسیم نموده‌اند (Adler, 2009: 10).

در مدل منبع معنی با تکیه بر دسته‌بندی دیرینه و کلاسیک فرهنگ، یعنی دودسته فرهنگ مادی و فرهنگ غیرمادی، زمینه ارتباط در گام نخست به دودسته «زمینه مادی»^۲ و «زمینه غیرمادی»^۳ تقسیم شده است.

۱- زمینه مادی

زمینه مادی همان زمینه فیزیکی و مربوط به مکانی است که ارتباط در آن برقرار می‌شود (Floyd, 2009: 12) نظیر آسانسور، یک تالار، داخل یک پارک و... که هر یک از این مکان‌ها به صورتی کم‌وبیش بر محتوا و فرم [نحوه ارائه] پیام اثر می‌گذارند.

-
1. communication context
 2. material context
 3. non-material context

(Davito, 1978: 10) درک زمینه مادی، سریع تر و ملموس تر از زمینه غیرمادی است، به همین دلیل در مدل، به صورت اولین لایه سپهر حاکم بر فرا گرد تراکنشی، ارتباط نمایش داده شده است.

۲-زمینه غیرمادی

ارتباطاتی که در [سالن پذیرایی یک منزل که در آن] مراسم عروسی برگزار می شود، امکان بروز می یابد، هرگز در یک مراسم تشییع جنازه [در همان سالن]، امکان بروز ندارند (Davito, 1978: 10).

در مدل منبع معنی، زمینه های مادی و غیرمادی، به صورت دو سطح، همچون پایه و تکیه گاه مدل تجسم شده اند. سطح زیرین نماینده زمینه مادی و سطح روی آن نماینده زمینه غیرمادی است:



تصویر ۱۶- تجسمی از زمینه مادی و غیرمادی ارتباط

به نظر می رسد که زمینه ارتباط می تواند گاه به گونه ای بسیار پررنگ، خود حامل هریک از آن سه نشانه قراردادی و غیر قراردادی باشد، به عنوان مثال، ممکن است در اتاق محل کار یک استاد دانشگاه قاب های حاوی لوح های تقدیر او (نشانه قراردادی گفتنی / نوشتنی) و عکس هایی از یادبودهای افتخارآمیز او (نشانه های غیر قراردادی نشان داندنی) باشد. حالا وقتی همکار یا دانشجویی وارد اتاقش می شود، و با او به گفتگو

می‌نشیند، در فضایی قرار می‌گیرد که آن نشانه‌ها نیز بخشی از آن هستند. ممکن است آن دانشجو از نشانه‌های موجود در زمینه نیز مفهوم صید کند، ضمن آنکه ممکن است گفتگوی کوتاهی انجام پذیرد، بدون آنکه آن مجموعه نشانه‌های موجود در آن زمینه، حتی دیده شود.



تصویر ۱۷- زمینه ارتباط می‌تواند حامل هر سه نوع نشانه باشد

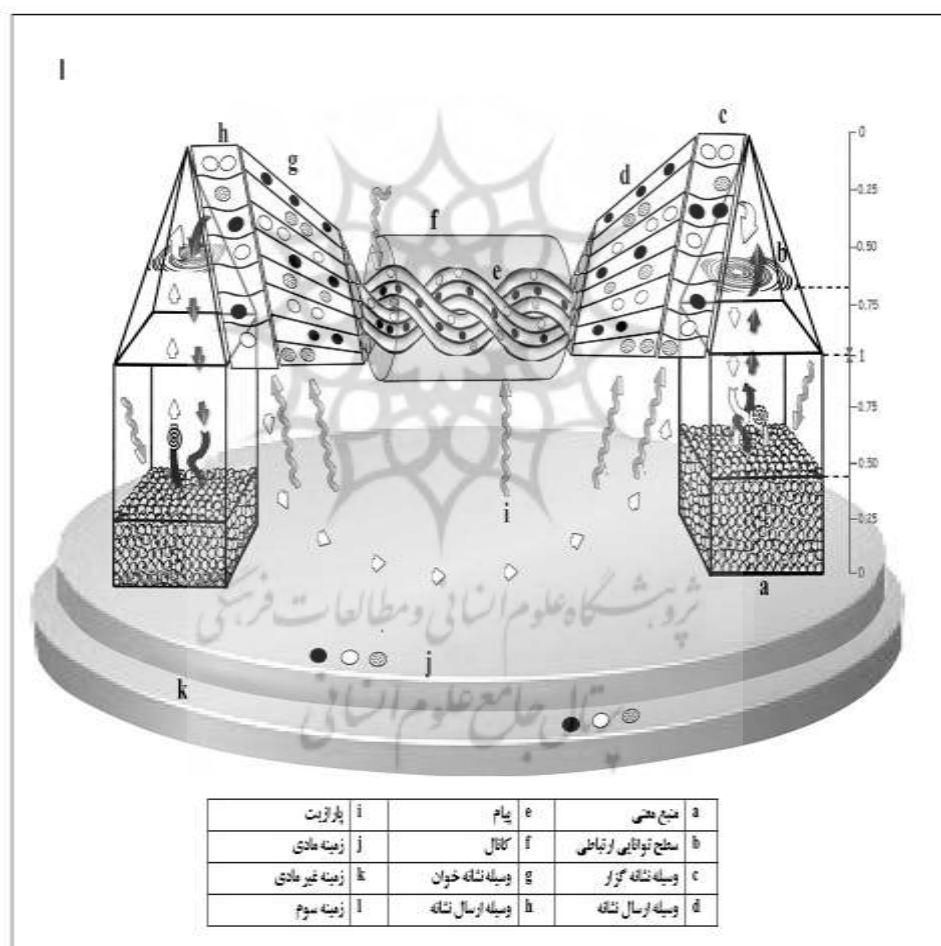
۳- زمینه سوم

در آثار اندیشمندان قرون گذشته برخی جوامع مشرق زمین گاه گیاهان، جانوران و جامدات با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برخی اوقات نیز نگاهشان رو به عالم غیب و خداوند می‌رود و فرستنده پیام برای خداوند و عالم غیب و به‌ندرت دریافت‌کننده پیام از عالم غیب می‌شوند. چنین زمینه‌ای را که «زمینه سوم» می‌نامیم می‌توان از جمله در آثار مولوی دید که زمینه اول و دوم را این‌سو و زمینه سوم موردنظر من را «آن‌سو» می‌داند و می‌گوید: «مُرده زین سواندو، زان‌سو زنده‌اند/ خامش اینجا، و آن طرف گوینده‌اند».

از آنجا که هیچ اطلاع عینی از زمینه سوم نداریم، در مدل منبع معنی، نقشی برای آن ترسیم نشده است.

مدل فرا گردی و تراکنشی ارتباط

در تصویر زیر مدل نهایی «منبع معنی» آمده است. با یادآوری آنکه حتی اگر به جای تجسم‌های بصری، می‌توانستیم از آن عکس بگیریم، چون یکی از مهم‌ترین خصلت‌های هر فرا گرد تراکنشی ° یعنی پویایی و تعامل میان عناصر ° در آن دیده نمی‌شد، آن عکس نمی‌توانست چندان دقیق باشد.



تصویر ۱۸- مدل فرا گرد تراکنشی منبع معنی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشش شد پدیده ارتباط به‌گونه‌ای نظم مند، مورد مطالعه قرار گیرد. اولین عنصر مورد توجه «معنی» بود که گویی با بزرگ‌ترین درشت‌نمایی یک میکروسکوپ فرضی مطالعه و به نقل از سنایی، مولوی، برلو، برگون، آدلر، فلویید و فروملینگ گفته شد که در پیام نیست. سپس با ارائه شواهدی از دستاوردهای بیولوژیست‌ها و عصب‌شناسان این نتیجه مطرح شد که معنی در مغز و به‌صورت مولکول‌های پروتئین بزرگ از جمله پروتئینی به نام آرک در ناحیه مربوط به «حافظه درازمدت ماندنی» است. تعداد معنی‌ها در افراد برحسب سن، تحصیلات، تجربه و فرهنگ یکسان نیست. به‌گونه‌ای که می‌توان اصطلاح درجه معنی را برای مقایسه‌های نسبی تعدد معنی افراد استفاده کرد. اما صرفاً تفاوت تعداد معنی‌ها نیست که ارتباط را می‌تواند دشوار کند، بلکه مهم‌تر از آن تفاوت معنی میان افراد و تفاوت در ربط و همبستگی‌های میان معنی‌هاست که دو انسان با دو منبع معنی متفاوت را درگیر پیچیدگی‌های ارتباط می‌کند. از آنجا که ارتباط مشابه حالات سه‌گانه آب، می‌تواند با ماهیت مشابه، اما در سه حالت جریان، فراگرد و تراکنش روی دهد این درگیری در هریک از آن سه حالت متفاوت و در تراکنش بیشتر و در جریان کمتر است. ارتباط در حالت فراگرد و بیش از آن در حالت تراکنش، اگرچه آغاز و پایان ندارد، اما تجلی آغازین معنی در ارتباط گر هم می‌تواند ناشی از تفوق عینیت بر ذهنیت و هم ذهنیت بر عینیت باشد.

در ادامه، ضمن معرفی هر یک از عناصر تشکیل‌دهنده تراکنش ارتباط و کارکرد آن، مدلی فرعی برای آن عنصر ارائه شد تا بتوان در آخرین بخش مقاله، با قرار دادن آن عنصر در جای خود، به ساخت مدل اصلی و نهایی که باید بیانگر روابط گاه تعاملی و پیچیده مجموعه عناصر می‌بود، دست یافت.

در همین مسیر این بحث مطرح شد که ارتباط پدیده‌ای چهار مسئله‌ای است؛ اولین مسئله در حوزه «سطح توانایی ارتباطی» و در منطقه «وسیله نشانه‌گذاری» شکل می‌گیرد و آن هنگامی است که از آمیختگی هر یک از سه نوع نشانه‌های «قراردادی گفتنی/

نوشتنی»، نشانه‌های «قراردادی نشان دادنی» و نشانه‌های «غیر قراردادی نشان دادنی» با نحوه ارائه «محتوایی» (C) تولید می‌شود که معنی (M) مورد نظر ارتباط گر را نمایندگی می‌کند، این که محتوا یا C تا چه حد معنی یا M متجلی شده در ارتباط گر را نمایندگی می‌کند، نخستین مسئله ارتباط است.

مسئله دوم هنگامی شکل می‌گیرد که پیام به کمک وسیله ارسال نشانه با عبور از کانال، به ارتباط گیر می‌رسد و او از طریق «وسیله دریافت نشانه» و پس از آن به کمک وسیله «نشانه خوانی» با عبور از سطح توانایی، به فرآیند صید مفهوم (C') از محتوا (C) منتهی می‌شود. بنابراین دومین مسئله هر ارتباطی آن است که تا چه حد C' مشابه C است. به عبارت دیگر $\frac{C'}{C}$ تا چه حد به ۱ نزدیک است. مفهوم صید شده ارتباط گیر پس از عبور از سطح توانایی او منتهی به تجلی معنی در منبع معنی او می‌شود که آن را با نشان می‌دهیم.، این که میان M' و C' تا چه حد رابطه نمایندگی است، مسئله سوم ارتباط است.

به دنبال تجلی معنی در ارتباط گیر () فعل و انفعالات پیچیده‌ای روی می‌دهد که در ظاهر «تفسیر و ارزیابی پیام» ولی در واقع تفسیر و ارزیابی معنی () متجلی شده در ارتباط گیر در اثر مفهوم صید شده (C') از محتوای پیام (C) است که منتهی به بازتاب مفهوم خواهد شد، تفسیر و ارزیابی بازتاب مفهوم، عامل تولید «پس فرست» است که دریافت آن از سوی ارتباط گر، هنگامی به بازخورد منتهی می‌شود که بر ارسال پیام بعدی ارتباط گر تأثیر بگذارد.

مقاله در ادامه از نقش پارازیت سخن می‌گوید که می‌تواند همچون گونه‌هایی از میکروب بر تک تک عناصر فرا گرد ارتباط نقشی مخرب ایفا کند و در انتها به تأثیر انواع زمینه‌های ارتباط بر صید مفهوم و تجلی معنی در ارتباط گیر پرداخته و آن‌ها را در دودسته اصلی زمینه مادی و زمینه غیرمادی تقسیم کرده است. اما با نگاه به سخنان و اشعار حکمای ایرانی، زمینه دیگری را یافته که زمینه سوم می‌نامد. زمینه سوم جایی است

که در آن‌گاه گیاهان، جانوران و جامدات با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و برخی اوقات نیز نگاه‌شان رو به عالم غیب و خداوند می‌رود.

در هر حال همه این پویاها و تعامل‌های پیچیده باید به مشابهت با M منتهی شود. در واقع چهارمین مسئله ارتباط که مهم‌ترین مسئله محسوب و نحوه حل سه مسئله قبلی در آن اثر دارد، این است که $\frac{M'}{M}$ تا چه حد به ۱ نزدیک است.

مجموعه آنچه گفته شد در بازنگری تعریف ارتباط (محسنیان راد، ۱۳۶۹ و محسنیان راد، ۱۳۹۱) می‌تواند این‌گونه لحاظ شود: ارتباط عبارت است از «جریان»، «فراگرد» و یا «تراکنش» جابجایی پیام میان حداقل دو «منبع معنی» (ارتباط‌گر و ارتباط‌گیر)، مشروط بر آنکه ۱- محتوای پیام تولیدی ارتباط‌گر نمایندگی معنی موردنظر او را داشته باشد، ۲- مفهوم صیدشده ارتباط‌گیر با محتوای پیام ارتباط‌گر مشابه باشد، ۳- مفهوم صیدشده از سوی ارتباط‌گیر، نمایندگی معنی متجلی شده در او را داشته باشد و ۴- معنی متجلی شده در ارتباط‌گیر، مشابه معنی موردنظر ارتباط‌گر باشد.

منابع

- زمانی، کریم. (۱۳۸۲)، شرح جامع مثنوی معنوی، دفتر سوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- سنایی: فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۸۱)، دیوان حکیم سنایی غزنوی، رامسر: نشر آزاد مهر.
- سولسو، رابرت آل. (۱۳۷۱)، روان‌شناسی شناخت، ترجمه فرهاد ماهر، تهران: انتشارات رشد.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳)، معنی‌شناسی کاربردی، تهران: انتشارات همشهری.
- گرگین، ایرج. (۱۳۹۱)، امید و آزادی، لوس‌آنجلس: شرکت کتاب.
- لوراین، هری. (۱۳۷۵)، یادگیری = حافظه + ارتباط، ترجمه دکتر احمد میر

عابدینی، تهران: چکامه.

- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۹۱). *ارتباطات انسانی*، تهران: انتشارات سمت.
- محسنیان راد، مهدی. (۱۳۶۹). *ارتباط شناسی (میان فردی، گروهی، جمعی)*، تهران: انتشارات سروش.
- مولوی. (۱۳۸۲)، *مولانا جلال‌الدین محمد بلخی: کلیات شمس تبریزی*، تهران: نشر سنایی؛ نشر ثالث.
- Adair, John. (2009). *Effective Communication*, Revised Edition, USA: Pan Macmillan.
- Adler, Ronald B. and George Rodman. (2009). *Understanding Human Communication*. London: Oxford University
- Andersch, E. G. Staats, L.C., Bostrom, R.N. (1969). *Communication in Everyday Use*. San Francisco: Rinehart. Press.
- Beck, Andrew & Peter Bennett (2002). *Communication Studies: The Essential Introduction*. London: Routledge.
- Becker, S. L. (1968). "Research on Emotional and Logical Proofs". *Southern States Speech Journal*; No. 28
- Berlo, David. (1960). *The Process of Communication*. Michigan State University. New York: Rinehart and Winston.
- Burgoon, J. K., Buller, D. B., Ebesu, A. & Rockwell, P. (1994). *Interpersonal deception: V. Accuracy in deception detection*. Communication Monographs. 61.
- Chadarevian, Soraya de & Nick Hopwood (2004). *Models: The Third*

- Dimension of Science*. Writing Science. USA: Stanford University Press
- Davito , Joseph A. (1978). *Communicology: An Introduction to the Study of Communication*. New York: Harper & Row
 - Donis, A., (1981). "Signs And Symbols" *Contact Human Communication and Its History*. London: Thames and Hudson.
 - Donsback Wolfgang (Editor). (2008). *The International Encyclopedia of Communication*. Malden: Blackwell
 - Duck , Steve & David T. McMahan. (2010). *Communication in Everyday life*. London: Sage
 - Emmert , P. (1996). *President's perspective*. ILA Listening Post, NO 56
 - Finkbeiner, Steve. (2013). Scientists Map Process by Which Brain Cells Form Long-Term Memories. Discovery at Gladstone Institutes Reveals How an Important Protein Helps Translate Learning into Memory. From <http://www.ucsf.edu/news/2013/06/106556/gladstone-scientists-map-process-which-brain-cells-form-long-term-memories>.
 - Floyd, Kory. (2009). *Interpersonal Communication: The Whole Story*. USA: Arizona State University.
 - Froemling , Kristin K. & George L. Gri. (2011). *Communication the Handbook*. Boston: Allyn & Bacon. Pearson
 - Gerbner, G. (1964). *On Content Analysis and Critical Research in Mass Communication*. In Dexter, L.A. and White D.M. (eds.). *People Society and Mass Communication*. New York: The Free Press.
 - Kandel.E.(2002). *Genes local protein synthesis at synapses and long-*

- term memory*. Retrieved July 9, 2002, from <http://fens.2002.Brodeaux.inserim.Fr/pages/posters/R11000/R11181.html>
- McQuail, Denis. (2010). *McQuail's Mass Communication Theory*. London: Sage.
 - Mc Quail Denis & Sven Windahl. (1993). *Communication Models for Study of Mass Communication*. Second edition. New York: Longman
 - Mildner, Vesna. (2010). *The Cognitive Neuroscience of Human Communication*. New York and London: Lawrence Erlbaum Associates.
 - Mohsenian Rad. (1993). Communicology: An Innovative Definition and Model for the Communication Process. Communications. *The European Journal of Communication*. Vol. 18, 3/1993.
 - Mongeau, Paul A., Stiff, James B. (2002). *Persuasive Communication*. second edition. New York: Guilford Press.
 - Neumann, Noelle. (1974). "The Spiral of Science. A Theory of Public Opinion". *Journal of Communication*. Volume 24.
 - Rhys, Robert. (1946). *Rehthorica. In the Worlds of Aristotle*. (W.D. Ross). Oxford University Press, Volume 11
 - Saussure, F. (1916). *Course de Linguistique*. Paris: General.
 - Shannon, Claude E. and Weaver, Warren. (1949). *The Mathematical Theory of Communication*. University of Illinois Press.

- Schramm, W. L. (1954). *How Communication Works. in the Process and Effects of Communication*. Urbana: University of Illinois Press.
- Scoville. W.B. & Miller. B. (2002). *Loss of recent memory after bilateral hippocampal lesions*. In M. S. Gazzaniga(Ed.) Cognitive Neuroscience. Oxford: Blackwell
- Sereno, Kenneth K. and Mortensen C. David, (1970). *Foundations of Communication Theory*. New York: Harper and Row.
- Swcatt, David J. (2010). *Mechanisms of Memory*. Second Edition. UK: Elsevier Inc.
- Trenholm. Sarah. (2010). *Thinking Through Communication* (6th Edition) USA: Pearson
- Donna R. (2009). *Interpersonal Communication: Different Voice*. Different Minds. New York. Phsycology Press
- Williams, Raymond. (1968). *Communication*, London: Penguin Book



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی